

## تاریخ هنر نقاشی ایرانی: تقابل یا تبادل فرهنگی

چالشهای فراموش شده و دلالت‌های آن برای آموزش عالی هنر

### چکیده:

هنر ایرانی از متن تحولات فرهنگی سیاسی و اجتماعی برآمده است. این مطلب خود رابطه ای مستقیم را با فرضیه ای کلی تر که به مسئله هویت فرهنگی و چگونگی اقتباس یا انطباق ایده های نو می پردازد، مطرح می نماید. ایران، به عنوان کشوری با فرهنگی کهن و سنت های غنی، همواره شاهد مواجهه های فرهنگی متفاوت بوده و از آنها متأثر گردیده، اما هم زمان نیز قادر به تبادل فرهنگی و حتی ایجاد تاثیر متقابل بر فرهنگ های مهاجم و محصولات آن بوده است. امروزه اندیشمندان و مصلحان اجتماعی به تکرر فرهنگی بر پایه حفظ فرهنگهای بومی تمایل دارند. و به نظری دیگر پست‌مدرنیسم سرنوشت محتوم بشریت است و ما نیز اکنون در سرنوشت خود با دنیای غرب شریک هستیم و ناچاریم در پرتو آن به آینده خود بیاندیشیم. هم‌اکنون نیز، در رویارویی با معضلات گسترده فرهنگ غرب و تمایل سیطره‌جویانه آن، با وضعیت پیچیده‌ای روبرویم و با سهل‌انگاری فرصتهای بسیاری را برای بررسی تمام جنبه‌های آن از دست داده‌ایم. نقاشی ایرانی، به مثابه میراث فرهنگی ما، سرمایه نمادین و معنوی ماست که باید آن را در جایگاه خاصش به عنوان میراث معنوی و تجربه ای تاریخی حراست کرد و با بررسی امکانات و ایجاد شرایط انتقال آن به آیندگان کوشید.

این مقاله با هدف بررسی موقعیت نقاشی ایرانی به طرح آخرین نظریه‌ها درباره سنت، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم می پردازد و با توجه به تحولات سریع هنری در غرب به نظر می رسد برای درک آنها بررسی تحولات اندیشه به عنوان متن تاریخی این تحولات راهگشا باشد.

روش و رویکرد این مطالعه تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها اسنادی است. یافته های کیفی نشان می دهند همچنانکه مدرنیته به مفهوم گسست از سنت نیست اقتباس از سنت و فهم نوزایشهای آن ممکن و ضروری است. و باید در صدد پاسخهای ممکن برای این پرسش اساسی بود که چگونه می توان اندیشه و فرهنگ هنر سنتی را در تلاقی با اندیشه و فرهنگ هنر جهانی از نو آفرید و گفتمان تازه ای خلق کرد و در نهایت آموزش عالی هنر برای نیل به آگاهی فرهنگی جامع نسبت به مبانی فکری هنر سنتی و مدرن برنامه ریزی کند.

**واژگان کلیدی:** نقاشی ایرانی، سنت، مدرنیسم، پست مدرنیسم، آموزش عالی هنر، گسست، پیوند